

معرفی و بررسی رساله دستور العمل از عبدالواسع هانسوی

سدره سعید*

چکیده:

پس از ایران، شبه قاره پاک و هند دومین بزرگترین و مهمترین مرکز زبان و ادبیات فارسی است. صوفیان و نویسندگان ارجمند از ایران و آسیای میانه اینجا مهاجرت کردند و درین ناحیه سکونت اختیار کردند و آثار گرانبها و گرانقدر به یادگار گذاشتند.

عبدالواسع هانسوی نیز از شبه قاره پاک و هند تعلق داشت و در عهد پادشاه اوناگ زیب (۱۶۵۸-۱۷۰۷م) می زیست. او شاعر برجسته و نویسنده بزرگ بود و در دستور نویسی فارسی نیز تبحر کامل داشت. "رساله دستور العمل" مشتمل بر اساس قواعد زبان فارسی است.

هانسوی، رساله عبدالواسع به فرمایش دوستان از کتابهای لغت مانند: فرهنگ سروری، فرهنگ جهانگیری، مدارالافاضل، مؤید الفضلا، بحر الدقایق، نزهة الصنائع و الجواهر و خزائن المعانی تالیف کرد و کتابی به عنوان معانی و بیان تدوین کرد که در کتابهای مختلف گردآوری شده بود و این مشتمل بر مقدمه و سه باب است. نسخه های خطی این کتاب در کتابخانه های شخصی و دولتی مختلف وجود دارد.

واژه های کلیدی: اورنگ زیب، دستور، عبدالواسع، رساله دستور العمل،

شبه قاره.

* عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده دولتی فاطمه جناح چو نامندی، لاهور

عبدالواسع حسینی، هانسوی، نسبت مکانی “هانسوی” شهرستانی کوچک در ایالت هریانه در شبه قاره، در هندوستان فعلی، به دنیا آمد. او ادیب، دستور نویس، زبان شناس، لغت نگار و شاعر زبان فارسی و اردوی است. هانسوی در دوره بزرگترین پادشاه تیموری شبه قاره اورنگ زیب عالمگیر (حك: ۱۰۶۸ - ۱۱۱۸ق/ ۱۶۵۸-۱۷۰۷م) می زیست. و در شعر “خالص” تخلص می کرد. (حسن انوشه، ۱۳۸۰ش، ج: ۴، ص: ۱۷۸۰)

هر چند که او در دوره تیموریان شبه قاره کارهای مهم، با ارزش، ضخیم، متنوع و اساسی به زبان فارسی از خود به یادگار گذاشته، اما درباره این که او کجا و به چه زمانی به دنیا آمد اطلاعاتی دقیق و مستقیم در تذکره ها، کتاب های تاریخ ادبیات فارسی و شرح حال نویسان فارسی سرایان و نویسندگان وجود ندارد.

او شاگردان زیادی تربیت کرد که از شخصیت های برجسته و نامدار روزگار خود شمرده می شوند که عبارتند از: میر تقی میر، میرزا محمد رفیع سودا، خواجه محمد میر درد، شاه مبارک آبرو، شرف الدین مضمون، یک رنگ، زین العابدین آشنا، تیک چند بهار، بی نوا، حسن علی شوق، عمده کشمیری، آنند رام مخلص، محمد محسن اکبر آبادی، شهاب الدین ثاقب، میر ناصر سامان شایسته و غیره آن.

درباره تاریخ و سال در گذشت وی نیز اطلاعات در دسترس نیست، ولی از آنجا که او استاد میر تقی میر، خواجه میر درد، میرزا محمد رفیع سودا بود، می توان حدس زد که از نظر سنی بزرگتر از آنان بوده و گمان می رود پیش از مرگ آنان در گذشته است. میر تقی میر در ۱۳۲۵ هجری قمری / ۱۸۱۰ میلادی در لکنئو

درگذشت، چنانچه می توان گفت که عبدالواسع هانسوی پیش از ۱۳۲۵ هجری قمری فوت کرد. (منزوی، ۱۳۶۵ ش، ۷۳۱/۸، ۲۸۴)

هانسوی در زمینه زبان، ادب، دستور، فرهنگ، زبان شناسی و نصاب ها برای نو آموزان فارسی آثار مهم و ماندنی از خود به جا گذاشته است که از آنها عنوان های زیر قابل توجه است:

۱. صمد باری

”صمد باری“ ”جان پهچان“ نیز نامیده می شود. هشت و شش صفحه دارد که کتاب نصاب فارسی است.

۲. غرائب اللغات

فرهنگ زنان عربی، فارسی و هندی است. این فرهنگ را بسیاری از دانشمندان به ویژه سراج الدین علی خان آرزو در تألیف ”سراج اللغات“، فرهنگی بسیار معروف، مورد استفاده قرار داده است. این کتاب در حاشیه سراج اللغات آرزو با مقدمه علمی مستند به کوشش دکتر سید عبدالله، استاد دانشکده خاور شناسی، دانشگاه پنجاب لاهور، پاکستان چاپ شده است.

۳. شرح یوسف و زلیخا

عبدالواسع هانسوی شرح مثنوی یوسف و زلیخای جامی، را نوشت و به قول خودش در مدت سی روز این شرح را تمام کرد.

۴. شرح اسکندر نامه

عبدالواسع هانسوی شرح اسکندر نامه را آغاز کرد و شرح بخش اول پایان

نامه را انجام رسانده ولی به علت درگذشت عبدالواسع ناتمام ماند و بعدها در (۱۳۸۱ق) یکی از شاگردانش با همکاری وحید بن برهان الدین آن را به انجام رساند.

۵. شرح بوستان

شرح بسیار مهم از اثر منظوم فارسی سعدی شیرازی است که عبدالواسع هانسوی آن را با هدف آشنا کردن مبتدیان در شبه قاره به زبان ساده و روان و زیبا تألیف کرده است.

۶. رساله دستور العمل

اثر منشور فارسی وی است و مشتمل بر يك مقدمه، سه باب و خاتمه است.

معرفی و بررسی رساله دستور العمل:

در مورد رساله چنین می گوید:

شد پی تفريح طبع دوستان نسخه دلکش ترا ز صد بوستان
جامع صد گونه فیض بی بدل نسخه مقبول دستور العمل
(رساله دستور العمل، ص: ۷۷)

رساله دستور العمل اثر منشور فارسی هانسوی است و به عنوان های "قواعد زبان فارسی"، و "دستور العمل" نیز نام دارد و در زمان اورنگ زیب عالمگیر (۱۶۵۸-۱۷۰۷م) نوشته شده است. عبدالواسع هانسوی این رساله را به فرمایش دوستان نزدیک او تألیف کرده است. او در تألیف دستور العمل از کتاب های فرهنگ

و لغت و معانی و بیان چون فرهنگ جهانگیری، فرهنگ رشیدی، فرهنگ سروری، مدارالافاضل، مؤید الفضلا، بحر الدقایق، نزهة الصنائع، الجواهر و خزائن المعانی استفاده کرده است.

این کتاب مشتمل بر مقدمه، سه باب و یک خاتمه است.

آغاز نسخه خطی دستور العمل بدین ترتیب است.

رب اغفر وارحم و انت خیر الراحمین و صل علی نبیک و رسولک محمد
واله واصحابه اجمعین اما بعد این رساله چندین ورقی است معدوده مشتمل بر قواعد
و ضوابط کلیه زبان فارسی که فقیر سراپا تقصیر "عبدالواسع هانسوی" باستدعای
بعضی دوستان و ائمه الاخلاص، صادق الاختصاص از کتب لغت مثل "فرهنگ
جهانگیری و رشیدی و سروری و مدارج الافاضل و مؤید الفضلاء" و کتب معانی
مثل "بحر الدقایق و نزهت الصنائع و عمان الجواهر و خزائن المعانی" و غیره.
نمونه نشر مقدمه بدین ترتیب است.

مقدمه مشتمل بر چند مقدمه است که درباره حروف مفرده، اسمای
حروف تهجی، نسبت زبان فارسی، هشت حرف ویژه ای زبان فارسی، ۲۸ حرف
عربی و حروف متشابه است.

نمونه نشر مقدمه بدین ترتیب است.

مقدمه مشتمل بر چند مقدمات: بدانکه حروف مفرده مبسوطه موضوعه
برای غرض ترکیب کلمات عرب بیست نه حروف است. و هر یک ازین حروف را

اسمی معین است که مسمی جزو اول او واقع شده مگر الف که همیشه ساکن باشد و ابتدای به ساکن متعذر است لهذا اسم به همزه مصدر کردند و همزه اسم مستحدث است در اصل وضع امزه بود به قیاس اسامی حروف دیگر و چون اگرچه الف در لفظ امزه مرکب است پس همزه باشد نه الف و لیکن چون مشاکلت صوری موجود است بضرورت بر اینقدر اکتفا نمودند تا موافقت با دیگر حروف حاصل آید اگرچه بصورت شد همزه را در رسم الخط نزد عرب صورت معین نیست گاهی به واو می نویسند چنانچه ندا جز "وَك" و گاهی بالف چنانکه رایت جزء "اَك" و گاهی بیا. بعد از مقدمه سه باب است که ترتیب آن ذیل است:

باب اوّل: "در بیان معنی الفاظ مشتمل بر دو فصل"

فصل اول "در بیان معنی مفروده مبسوطه" درباره چگونگی تلفظ و حرکات این الفاظ بحث می کند مانند: اگر، ابر، ابا، اکا که در اصل: "اگرو برو با و بی" بود.

فصل اوّل: "در بیان معانی الفاظ مبسوطه مفروده الف"

این حروف چون در اول کلمه ثنای یعنی دو حرفی واقع شود همیشه مفتوح باشد و ما بعدش بر حرکت خود ماند چون اگرو ابر و ابی و ابا که در اصل کرو برو بی و با بوده. یعنی وصلی زاید سه قسم است یا در اول یا در وسط یا در آخر. الف وصلی آنست که بر اول کلمات که بی الف موضوع اند بیارند و در معنی آن اختلافی نباشند.

رود کی گفته:

تا خوی ابر گل رخ تو کرده شب‌نمی شب‌نم شدست سوخته چون اشک ماتمی
(دیوان رود کی، ص: ۳۴)

استاد رود کی گوید:

ایا خلعت فاخر از حرّمی همی رفتی و می نوشتی زمی
(دیوان رود کی، ص: ۶۰)

سعدی گوید:

نه بر حکم شرع آب خوردن خطاست و گر خون به فتوی بریزی رواست
(بوستان سعدی، ص: ۳۵)

و استشهاد بدین بیت وقتی باشد که در مصرع اول بجای نه بی لفظ "ابی
"باشد اما بدانچه در اکثر نسخه نه بی نون نفی بیازایده دیده شده استدلال نمی شود
و چون در اول ثلاثی یا رباعی یا حماسی و غیره واقع شود ما بعد او ساکن کنند اگر
اجتماع ساکنین لازم نیاید و همان حرکت ما بعد بوی دهند. و این الف را پارسیان
الف وصل گویند چون استر و افراسیاب و اشکم و اِستم و اِشکره و اشتر و اشتلم و
عجوبه در اصل سترو و سترنک و فراسیاب بفتح اول و شکم و ستم شکره بالكسر
و شتر و شتلم و عجوبه بالضم بود.

فصل دوم: "فصل در بیان معانی و احکام الفاظ مرکبه" از باب اول

"با" کلمه ای است که افاده معنی مصاحبت و الحاق کند مانند: "این با آن

چنین گفت"

درباره حروف مرکبه با الفاظ مرکبه نیز بر حسب حروف الفبایی بحث می

کند. چنانچه حروف در آغاز و انجام و اواسط الفاظ را بیان می کند که امروزه آنها را به صورت پیشاوند از پساوند و میانوند و غیره مورد بحث قرار داده اند. مثلاً بیان کلماتی که افاده معانی خداوند کند "مند" چون مستمند و ارجمند. یعنی "مست" که غم و گله باشد به گر، آن، آر مانند: خدمتگار، شیشه گر، خندان، خریدار.

نمونه:

بعضی اسماء حروف تهجی که سوار رسمیت معنی دیگر نیز دارند با کلمه ایست که افاده معنی مصاحبت و الصاق کنند چنانچه این و با آن کلمه ایست که برای آگاهی گویند و برای زینها نیز آمده.

سعدی گوید:

ز صاحب غرض تا سخن نشنوی که گر کار بندی پشیمان شوی
(بوستان سعدی، ص: ۴۳)
و برای غایت یعنی مسافت و مقدار چیزی از مکان یا زمان و آن گاهی ابتدائی باشد.
چنانچه مولوی گوید:

پرس پرسان می کشیدش تا بصدور گفت گنجی یافتم آخر به صبر
(مثنوی مولوی، رومی، ۵۲)

و گاهی دوامیه آید.

باب دوم: "در بیان قواعد کلیه و فواید جمع"

این باب را درباره تبدیل و اشباع تخفیف و جرح و تعدیل حروف ترتیب داده و آن بر چند قاعده تقسیم شده است. مثلاً هر گاه بر اول لغتی که مصدر به الف

باشد، با زایده و میم نهی و نان نفی را در آرند الف چون بیفکن و میفکن و بیندوخت. مثال:

قاعده اوّل

بدانکه ماقبل الف ساکن همیشه مفتوح و در رسم الخط بما بعد خود هرگز متصل نشود و آنچه بما بعد خود متصل نشود و همچنین دال و ذال و را و زا و واو کتابت متصل نشود.

قاعده دوّم

بدانکه هر گاه بر اوّل لغتی که مصدر بالف باشد با زایده و میم نهی و نون نفی درآید چون بیفکن و میفکن و نیفکن و گاهی الف این را حذف کنند چون بفکن و مفکن.

باب سوّم: در اصطلاحات پارسیه و صنایع شعریه

در این باب از عروض و بدیع و قافیه و انواع شعر و مخصوصاً بحور نوزده گانه، گفت و گو می کند و راجع به صناعی که در نثر بکار برده می شود، نیز سخن می گوید، مانند «کلام مقفی را که بر وزن بحر از بحور نباشد نثر خوانند» رباعی، قصیده، مثنوی، و... را مورد بحث قرار می دهد و برای آنها شواهد شعری می آورد. مثلاً درباره «براعت استهلال» می گوید:

«براعت استهلال عبارت است از آن که متکلم در اوّل مثنوی یا قصیده یا غیر آن الفاضی ذکر نماید که بدان الفاظ اشارت شود، بدانچه در آن مثنوی و قصیده مذکور خواهد شد چنان که غنیمت در اوّل نیرنگ عشق که میان عشق عزیز و شاهد

است، می گوید. بیت:

به نام شاهد نازك خیالان عزیز خاطر آشفته حالان
(نیرنگ عشق، غنیمت کنجاهی، ص: ۲)

مثال:

بدانکه شعر عبارت است از کلامی که متکلم بقصد شعر بر وزن بحر از بحور نوزده گانه که در کتب قافیه و عروض مشروحاً و مفصلاً مذکور است آورد بشرط قافیه داشته باشد پس اگر کلام موزون بی قصد متکلم واقع شود آنرا شعر بگویند همچنین کلام مقفا را که بر وزن بحر از بحور نبود نثر خوانند و اکثر اهل تحقیق بر آن ند که هر شعر را دو فقره لازم است و عبارت مقفی را که فقره دوم نداشته باشد مصرع خوانند.

شاهد حال:

”دشمن چه کند چو مهربان باشد دوست“

(گلستان سعدی، ص: ۳۵)

و در مصرع را که با بیت و بیت را اگر تنها باشد فرد خوانند.

خاتمه:

عبدالواسع هانسوی در کار خود از سروده های ناموران ایرانی و شبه قاره گواه بسیار آورده است بدان نام روشنی نداده است جز آنکه در خاتمه کتاب گوید:
جامع صد گونه فیض بی بدل نسخه مقبول دستور العمل

نی، غلط گفتم، مضامین بلند کردن اندر قید لفظ پوچ چند
(رساله دستور العمل، ص: ۷۷)

کتاب شناسی و منابع:

- انوشه، حسن، چاپ اول (۱۳۸۰ ش)، دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره
(هند، پاکستان، بنگلادیش) جلد چهارم، بخش دوم: ح.ع، سازمان
چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران
- جعفر بن محمد رودکی، ابو عبدالله، چاپ اول (۱۳۷۴ ش) دیوان
رودکی، مجموعه اشعار به جای مانده، شرح و توضیح: منوچهر دانش پژوه،
انتشارات توس، تهران
- رومی، جلال الدین محمد، مثنوی مولوی معنوی، دفتر اول، ترجمه مولینا
قاضی سجاد حسین صاحب، اردو بازار، لاهور
- سعدی شیرازی، مصلح الدین، گلستان سعدی، ترجمه و حاشیه حضرت
مولانا صاحبزاده محمد عطاء الرسول اویسی، مکتبه اویسیه رضویه،
پاکستان
- همو، همان، همانجا
- منزوی، احمد، جلد هشتم (۱۹۸۶ م) فهرست مشترك نسخه های خطی
فارسی پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
- غنیمت کنجاهی، محمد اکرم، (۱۲۶۸ ق) مثنوی نیرنگ عشق، در مطبع

۱۲۰ سدره سعید/معرفی و بررسی رسالهٔ دستور العمل از عبدالواسع هانسوی

مصطفای، کانپور

- هانسوی، عبدا لواسع، رساله عبدالواسع هانسوی، نسخهٔ خطی در گنجیهٔ آذر به شماره B.۵۴/۸۴۸۰، کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور